

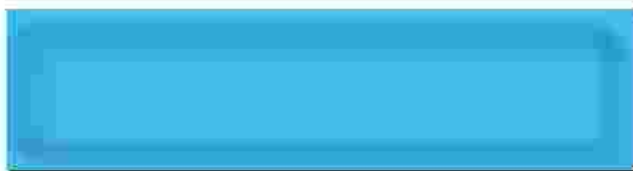
آیین زندگی

فصل نامه علمی، آموزشی انجمن علمی-دانشجویی
تربیت مربی مراکز پیش از دبستان

مرکز آموزش علمی- کاربردی شرکت تعاونی پیشتازان آیین زندگی

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۴۰۰، تیراژ ۱۵۰
شماره مجوز: ۹۷/۰۹/۰۹/۱۳۱





آموزش در بحران

صفحه ۱

نقش برنامه ریزی آموزشی در کنترل آسیب های اجتماعی و پدیده های نوظهور قسمت دوم صفحه ۲ و ۳

درباره ی بلوغ و تغییرات ناشی از آن با فرزند استثنایی تان صحبت کنید صفحه ۴ و ۵

چگونه رفتارهای بد کودک خود را اصلاح کنیم قسمت دوم صفحه ۶ و ۷

آسیب های اجتماعی ایران؛ دلایل و عوامل صفحه ۸ و ۹

صاحب امتیاز: مرکز آموزش علمی-کاربردی شرکت تعاونی پیشخانان آئین زندگی

مدیرمسئول: نگار زمانی

سر دبیر: مریم نبی پیدهندی

هیئت تحریریه:

مهرنگیز میکائیلی، بهار رجایی نصر آباد، مرده جانه، خلیل شیروانی

همکاران این شماره:

مرده جانه، خلیل شیروانی، علی اسلامبولچی مقدم، علی توری، نگار زمانی

ویرایش: رویا بیدی

هماهنگی و روابط عمومی: مبینا آقا جان زاده

چاپ و تکثیر: مرکز آموزش علمی-کاربردی شرکت تعاونی پیشخانان آئین زندگی

رایانامه: aienezendegy@yahoo.com

تلفن: ۴۴۲۳۵۱۲۱

آدرس: بلوار اشرفی اصفهانی، ترسیده به هل همت، خیابان قموشی (هزارک) شهرک همای جنوبی، مرکز آموزش علمی-کاربردی

شرکت تعاونی پیشخانان آئین زندگی

آموزش در بحران

قسمت اول

قبل از شیوع و همه گیر شدن ویروس کووید ۱۹ دنیا با بحران یادگیری درگیر بود که به بزرگترین چالش جهانی برای ساده کردن کودکان و نوجوانان برای زندگی، کار و شهروند فعال بودن شان تبدیل شده بود؛ تقریباً ۶۱۷ میلیون کودک و نوجوان در دور تا دور دنیا قادر نبودند حداقل سطوح مهارت ریاضی و خواندن را به دست آورند، در حالی که دو سوم آن ها در مدرسه حضور داشتند (یونسف، ۲۰۱۹). بنا به شش ماه طولانی مدت مدرسه ها و ایجاد وقفه در آموزش، تنها یادگیری از دست رفته، بلکه طبق پیش بینی بانک جهانی، در بلندمدت به سرمایه انسانی و فرصت های اقتصادی نیز بلطمه وارد شده است (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

آموزش و پرورش در بحران چیست؟

پس از شدن مدرسه ها به منظور مهار شیوع ویروس مهلک کووید ۱۹، خطر گسترش نابرابری های آموزشی برای گروه های محروم و در حاشیه و کودکان توان یاب را در پی دارد، چرا که از احتمال بازگشت آن ها به روند آموزش های رسمی پس از بازگشایی مجدد مدرسه ها می کاهد (بشریت و فراگیری، ۲۰۲۰). این امر به دلیل از بین رفتن فعالیت دانش آموزان در فرایند یادگیری، که از وقفه پیش آمده در آموزش هایشان ناشی می شود می تواند نتایج حاصل از یادگیری را کاملاً واگردان سازد. چنان این مشکل به خصوص در مورد دانش آموزان با چالش های یادگیری که از طبقه اقتصادی اجتماعی پایین تر و جزو گروه توان یاب هستند، دشوارتر است (بانک جهانی، ۲۰۲۰). هر چند خدمات آموزشی از راه دور که به عنوان راه حلی برای کاهش این تأثیرات در نظر گرفته می شود، می تواند برای دانش آموزانی که از خانواده هایی با ارتباط اینترنتی بهتر هستند یا سطح آغازین مهارت های دیجیتال آن ها بالاتر است، معبرتر باشد، اما دانش آموزانی را که تاکنون محروم بوده اند عقب تر می اندازد (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

به فعالیت ها و مداخلاتی که سازمان های غیردولتی همچون سازمان ملل یا دیگر سازمان های ملی و بین المللی در چنین شرایطی انجام می دهند تا حق آموزش کیفی را به کودکان بازگردانند «آموزش و پرورش در بحران» گفته می شود (پرو و همکاران، ۲۰۱۶). حمایت انسانی آموزش و پرورش از کودکان در چنین شرایطی، باعث ساختار یافتن و شکل گرفتن زندگی افراد در شرایط بحران می شود (UN-DPCSD، ۱۹۹۶). از این نگاه آموزش و پرورش در بحران در واقع حفاظت بین دو وضعیت، یعنی شرایط معمول قبل از بحران و بازگشت به شرایط عادی پس از بحران است.

اسناداردهای حداقلی آموزش در بحران

در تعریف هر برنامه آموزشی بر سه جنبه کلیدی تمرکز می شود اینکه کودکان به برنامه دسترسی داشته باشند، در آن مشارکت کنند و درگیر آموزش هایش شوند، و در نهایت بتوانند به دستاورد آن برسند (شبکه بین اژانسی آموزش در بحران، ۲۰۱۹). شبکه بین اژانسی آموزش در بحران، آموزش و پرورش در بحران را فرصت های یادگیری کیفی برای همه گروه های سنی در هر موقعیتی از بحران تعریف می کند و آن را در پنج حیطه استانداردهای حداقلی پیش می برد (INEE، ۱۹۹۴).

۱. حیطه اول شامل تحلیل، هماهنگی و مشارکت اجتماعی است. تمرکز اصلی این استانداردها بر «نیاز به تشخیص (ارزیابی) درست و مشارکت ذی نفعان» است. از این نگاه، مشارکت کودکان، به خصوص در ارزیابی اولیه و نیازسنجی، حائز اهمیت است، چرا که آنان از همتایی که در آموزش غایب هستند، در آن مشارکت نمی کنند، یا قادر نیستند به دستاورد محکمی برسند، نسبت به هر کس دیگری آگاه ترند و دلایل آن را می دانند (شبکه بین اژانسی آموزش در بحران، ۲۰۱۹). در دوره بیماری کووید ۱۹ با گذر زمان

و گسترش بحران، نیازهای آموزشی تازه و منحصر به فردی بروز پیدا کردند که لازم است با اعطای نظر بررسی شوند تا به راه حلی برای اکثریت دانش آموزان ییزون از مدرسه دست یابیم.

۲. حیطه دوم بر محیط دسترسی و یادگیری متمرکز است و در ایجاد فرصت های آموزشی ایمن و «مستاد» می کوشد. ساختن فضایی که دانش آموزان را برای مشارکت معنادار و فراگیر توانمند سازد، در این حیطه بررسی می شود (سازمان نجات کودکان، ۲۰۱۲). در شرایط بیماری کووید ۱۹ لازم است بسیاری از فعالیت هایی که تاکنون به این منظور در مدرسه انجام می گرفتند، اکنون برای فضای خانگی و آموزش از راه دور و در قالب آموزش از راه دور با فناوری پیشرفته، راه حل های در شرایط دسترسی کم به فناوری و راه حل های شرایط فقدان فناوری، تغییر کند و اصلاح شود.

۳. حیطه سوم به آموزش و یادگیری مربوط است و بر عناصر مهمی تمرکز می کند که آموزش و یادگیری مؤثر را در پی دارند یا توجه به اینکه اکثر دانش آموزان اکنون خارج از فضای مدرسه به تحصیل می دارند، به نظر می رسد در این بخش با چالش تازه های روبه رو باشیم، چرا که دیگر در فضاهای محوری به کودکان دسترسی نداریم.

برنامه های خودآموزی که نهاد دسترسی برای به آموزش و یونسف برای کودکان سوری دچار درگیری انجام داد و به آن ها اجازه می داد در خانه به آموزش های شان ادامه دهند، از طریق تدوین برنامه درسی جامع برای کودکان بازمانده از فرصت های معمول آموزشی صورت گرفت و به برنامه درسی «B» معروف بود.

۴. حیطه چهارم به آموزگاران و دیگر کارکنان آموزشی مربوط می شود و نحوه مدیریت منابع انسانی در آن جای می گیرد. در دوره بیماری کووید ۱۹ که والدین نقش دستیاران آموزشی معلمان را عهده دار می شوند، ایجاد حلقه های یادگیری با تسهیلگری معلمان برای والدین و هدایت هر از چندگاه آن ها در طول بحران برای کمک به فرزندان شان، کمک کننده است (همان).

۵. حیطه آخر به سیاست گذاری آموزشی و نحوه اجرای آن مربوط است. مهم ترین موضوعی که در این بخش به آن توجه می شود، اطمینان از این است که سیاست ها از معلمان، دانش آموزان و فضای آموزشی حمایت به عمل می آورد. در دوره کووید ۱۹ به خصوص لازم است راه هایی را که گواه مشارکت و درگیری مداوم کودک در آموزش هستند، با اطمینان بنسازیم، تا آنچه تاکنون فرا گرفته شده است، از بین نرود (یادداشت راهنمای تکنیکی در دوره کووید ۱۹ شبکه بین اژانسی آموزش در بحران، آوریل ۲۰۲۰).

بر واضح است که در شرایط پیش آمده، رویکردهای پیشین آموزش که به معلم به عنوان تصمیم گیرنده اول و آخر کلاس یا به فرایند آموزش به عنوان موضوعی می نگریستند که ساختارهای اجتماعی خارج از کلاس (نهاد آموزش و پرورش یا گفتمان های آموزشی غالب) هدایت شان می کند، به اندازه قبل کارایی نخواهند داشت. لازم است پسترهایی ایجاد شوند که نقش یادگیرندگان را در یاددهی یادگیری افزایش دهند تا مهار و کنترل بیشتری بر یادگیری خود داشته باشند. یکی از مفهوم های کلیدی که در سال های اخیر به این منظور بررسی شده، «عاملیت یادگیرنده» است (بنیان پژوهش های آمریکا، ۲۰۱۸). پژوهشگاه کور نیولند، ۲۰۱۷. دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۵. بنسون، ۲۰۱۱). عاملیت یادگیرنده به معنای داشتن قدرت و انتخاب برای عمل کردن به شیوه ای معنادار است تا نتایج حاصل از تصمیمات دیده شوند (کور، ۲۰۱۷). عاملیت یادگیرنده به یادگیرندگانی دلالت می کند که فعالیت یا محیط خود در تعامل هستند و آگاهانه در فرایند یادگیری و رشد خود درگیر می شوند (هست، ۲۰۰۱). به نقل از آشوین، ۲۰۰۹.

ادامه دارد ...

تهیه و تنظیم:

مژده چانه، کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی و مدرس مرکز

منبع: <https://www.roshdmag.ir>

نقش برنامه ریزی آموزشی در کنترل آسیب های اجتماعی و پدیده های نوظهور

قسمت دوم

برنامه ریزی و ابزارهای پیش گیرانه

در تصمیم گیری برنامه ریزی آموزشی در آسیب های اجتماعی ناشی از پدیده های نوظهور سه مفهوم مستتر است.

مفهوم انتخاب

منظور از مفهوم انتخاب این است که برنامه ریزی باید براساس نیازها و هدف های متفاوتی که تقاضا می شود باشد و راه های مختلف رسیدن به هدف و امکانات گوناگونی را که می تواند مورد استفاده قرار گیرد بررسی و در نظر گرفته شود. اگر در برنامه فقط یک راه ارائه شود، مسئله انتخاب متفی می گردد و طبعاً نیازی به تصمیم گیری نخواهد بود، زیرا تصمیمات قبلاً گرفته شده است.

مفهوم ریسک یا خطر

مسئله دوم در تصمیم گیری، احتمال خطر یا ریسک است. در یک برنامه ریزی جامع باید راه ها و تدابیر مختلفی برای رسیدن به مقصد پیدا کرد که قطعاً هر یک از این راه ها مزایا و معایبی دارند. در این صورت تصمیم گیری مستلزم سنجش مزایا و معایب راه های مختلف می شود و انتخاب هر راه، خواهی نخواهی، با خطر کردن توام می گردد.

یک نکته!

«گاهی اوقات تصور می شود که برنامه ریزی موجب می گردد که ریسک از میان برود یا به حد اقل ممکن برسد. اما باید توجه داشت که برنامه ریزی ریسک را از میان نمی برد ولی کوشش می کند ریسکی که می کند عاقلانه و حساب شده باشد.»

مفهوم محدودیت

مفهوم سومی که در تصمیم گیری های برنامه ریزی پنهان می باشد، محدودیت منابع است. در حقیقت، محدودیت منابع در مقابل نامحدود بودن خواست ها موجب می شود که حق تقدم یا اولویت برای خواست های خود قابل شویم. نیاز به تعیین اولویت ها موجب می شود که به برنامه ریزی متوسل شویم.

به این ترتیب آگاهی بخشی و آگاه کردن مردم از طریق بسیج کردن همه امکانات موجود با توجه به این که بیشتر استفاده کنندگان از اینترنت و فضای مجازی نوجوانان و جوانان هستند، فرهنگ سازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است. یکی از علت هایی که ما استفاده درست از بعضی از وسایل را نمی دانیم فرهنگ غلطی است که برای ما درونی شده است و نمی دانیم که هر وسیله ای جدید که وارد جامعه می شود باید کاربرد آن در مواردی باشد که برای مردم و اجتماع مفید است و همیشه به دنبال جاذبه و سرگرمی نباشیم و جذابیت را فدای منفعت نکنیم. هم چنین باید از طریق امکاناتی که در زیر ذکر می شود فواید اینترنت و کاربردهای آن

آموزش داده شود و تشویق شان کرد که به جای صرف کردن ذهن شان به کارهای بیهوده به مسائل علمی و شکوفایی جامعه توجه نمایند و از نعمت های خدا بهترین استفاده را انجام دهند و از لحظه لحظه زندگی شان بهترین بهره برداری را نمایند و قدر ثانیه هایی را که می گذرد، بدانند و از این مسئله غافل نشوند که هر ثانیه عمر هیچ بازگشتی نیست.

امکاناتی که می توان از آن ها استفاده کرد به شرح زیر هستند:



«صدا و سیما، خوشبختانه ما موقعیت خوبی از نظر توجه مردم به شبکه های رادیویی و تلویزیونی داریم و باید از این امکان استفاده کرد و به مردم آگاهی داد.

«استفاده از نشریات و روزنامه ها که وزارت ارشاد باید برنامه ریزی کند.

«پخش آگهی های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون برای افزایش آگاهی خانواده ها در خصوص خطرات ناشی از اینترنت.

«پخش برنامه های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آن ها را الگوی خود قرار می دهند.

«برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین در مورد فن آوری های جدید به ویژه اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی.

«استفاده از امکانات عظیم آموزش و پرورش که با زبده ترین و دل سوزترین نیروها یعنی به وسیله مظلومان هدایت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را برعهده دارد. باید از امکانات مربیان تربیتی و سایر امکانات آموزش و پرورش برای آگاه کردن دانش آموزان با خطر تهاجم فرهنگی دشمن استفاده کرد.

«یکی از محیط های مهم و تأثیرگذار بر نوجوانان، مدرسه است. اقدامات مناسب اولیای مدرسه می تواند از بخشی از آسیب های اینترنتی پیش گیری کند. اقدامات مهمی که می توان در مدرسه انجام داد شامل:

- دبیران محترم استفاده صحیح از اینترنت را به نوجوانان بیاموزند و برای هر بحث درسی فهرستی از سایت های مجاز و مناسب را تهیه کرده، از دانش آموزان بخواهند در مهلت مقرر به همه آن ها مراجعه کرده، مطالب مربوط را مطالعه و استخراج کنند. بدین ترتیب، آن ها فرصت استفاده از سایت های غیر مجاز را از دانش آموزان خواهند گرفت.

راهنمایی نوجوانان و جوانان و خانواده‌های آنان برای پیش‌گیری از بروز این توج مشکلات.

- استفاده از امکانات آموزشی نیروهای نظامی که همه جوانان ذکور ناگزیر از انجام خدمت نظام وظیفه هستند.

- استفاده از سازمان‌های غیردولتی و ...

- تحکیم و تقویت میانی عقیدتی جامعه خصوصاً جوانان از طریق نهادهایی که نام برده شده زیرا عقیده محکم و استوار عامل بازدارنده‌ای در مقابل آسیب‌هاست

- برنامه ریزی برای آموزش تخصصی مردم خصوصاً جوانان برای ورود به فضای مجازی و ابراز وجود و ارائه برنامه‌های دینی و ملی جذاب به نحوی که جوانان با ارائه وب سایت‌ها، حضور در چت‌ها، حضور در گروه‌های اینترنتی، ساختن بازی‌های اینترنتی مفید در فضای اینترنت تأثیرگذار شوند و مطالبی را که دارای محتوای عالی ملی و مذهبی باشد، ارائه نمایند.

- ایجاد اشتغال برای جوانان توسط برنامه‌ریزان مملکتی و به دنبال آن فراهم کردن زمینه‌هایی برای رفع مشکلات ازدواج جوانان چرا که با حل شدن مشکل ازدواج دشمن کمتر می‌تواند از جاذبه جنسی (سکس) برای سایرهدف‌های خود استفاده کند. البته حل مشکل ازدواج منوط به حل مشکل شغل (بیکاری) و مسکن جوانان است که دولت باید در این خصوص نیز برنامه ریزی کند.

- همه ما می‌دانیم اولین مکانی که انسان فرهنگ می‌آموزد خانواده است و تأثیری که خانواده بر فرد می‌گذارد غیر قابل‌انکار است پس در شکل‌گیری شخصیت فرزندان والدین می‌توانند نقش مهمی داشته باشند و اگر با آموزش صحیح و هم‌چنین با شکل‌گیری عواطف و محبت به فرزندان و فراهم کردن سرگرمی‌های سالم برای آن‌ها و کنترل صحیح فرزندان خود می‌توانند از جذب آن‌ها به امور گمراه‌کننده و تحریکات جلوگیری کنند و نیازهای جوانان را به گونه‌ای برطرف نمایند و مانند یک دوست برای بچه‌های خود باشند که آن‌ها فرصت فکر کردن به سرگرمی‌های کاذب را نداشته باشند و در صورت آگاهی به آنان بیاموزند که هر وسیله‌ای چه کاربردهای مفیدی دارد.

اگر کانون خانواده گرم و دوستانه باشد و نیازهای عاطفی فرزندان را به درستی تأمین شود و افراد خانواده بدانند که والدین برای شان بهترین دوست هستند و مشورت با آن‌ها باعث خوشبختی شان می‌شود هیچ وقت به دنبال عشق و محبت در اینترنت نمی‌گردند. ... ادامه دارد

تهیه و تنظیم:

خلیل شیروانی

مدرس مرکز و دکترای مدیریت آموزشی و مدرس مرکز

برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس برای آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فن‌آوری‌های جدید و نحوه‌ی استفاده‌ی صحیح از آن‌ها.

- معرفی سایت‌های مفید توسط مسئولان مدرسه و مربیان در زمینه‌های مختلف می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از کنجکاوی‌های نوجوانان باشد.

- نظارت و کنترل مسئولان مدرسه بر فعالیت‌های معرفی‌سایت‌های مفید توسط مسئولان مدرسه بر فعالیت‌های اینترنتی دانش‌آموزان در مدرسه می‌تواند یکی دیگر از راه‌های جلوگیری از آسیب‌های اینترنتی باشد.

شایان ذکر است نصب دستورالعمل استفاده از کامپیوتر و اینترنت در سایت‌های مدارس امری لازم است. این نوع شیوه‌نامه‌ها باید توسط مسئولان ذی‌ربط در وزارت آموزش و پرورش تهیه شود در صورت تخلف دانش‌آموزان از این دستورالعمل، باید به آن‌ها تذکر داد و برابر مقررات با آن‌ها رفتار کرد. هر چند که معلم مربوط نیز باید در مرکز کامپیوتر مدرسه حضور داشته باشد تا آن دسته از دانش‌آموزانی که قصد استفاده سوء از این امکانات را دارند، فرصت کافی برای انجام آن پیدا نکنند.

طراحی و تدوین بخشی در کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی



دانش‌آموزان با فن‌آوری‌های جدید.

- اینترنت و خطرات بالقوه آن‌ها.

- استفاده از امکانات دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برای برگزاری همایش‌های تخصصی.

- استفاده از ظرفیت مساجد و روحانیت که بسیار تأثیرگذار است.

- استفاده از دیگر ابزارهای فرهنگی مانند سینما و تئاتر.

- برگزاری کلاس‌های آموزشی، علمی، مذهبی، تفریحی و انجام مسابقات مختلف ورزشی توسط سازمان‌های جوانان و با هزینه کم که موجبات جلب نوجوانان و جوانان را به این گونه برنامه‌های سازنده فراهم آورد و آنان را از روی آوردن به فعالیت‌های آسیب‌زا باز دارد.

- برگزاری اردوهای تفریحی، علمی، آموزشی به تفکیک سن و جنس برای دانش‌آموزان و دانشجویان کشور و انجام مسابقات ورزشی (مانند تیراندازی، اسب‌سواری، کوهنوردی، دوچرخه‌سواری و ...) در سطح گسترده می‌تواند موجبات سرگرمی‌های سالم و آموزنده را برای این اقشار آینده‌ساز جامعه فراهم آورد و آن‌ها را از گزند استفاده‌نا به‌جا از اینترنت مصون دارد.

- در دسترس بودن مشاوران آگاه، مجرب، متعهد و دل‌سوز برای

درباره‌ی بلوغ و تغییرات ناشی از آن با فرزند استثنایی‌تان صحبت کنید

اطلاعات را در اختیارشان قرار می‌دهند. بنابراین، مکانی آرام و بدون حواس پرتی و زمانی مناسب را انتخاب کرده و آهسته شروع به صحبت کردن با آنها کنید.

یکی از راه‌های شروع مکالمه اغلب این است که از او پرسید: در این باره چه چیزی را از قبل می‌دانند این اطلاعات نقطه شروع خوبی برای مکالمه خواهد بود. به عنوان مثال، ممکن است فرزندان قبل از کلاس علوم زیست شناسی یا بهداشت، مطالبی درباره‌ی آناتومی بدن و تولید مثل خوانده باشد. در نتیجه، دیگر نیازی به شروع از ابتدا ندارید و می‌توانید از این دانش او استفاده کرده گفتگو را از آنجا آغاز کنید.

مطالب را جزء به جزء کنید

درست مثل هر چیز دیگری که جزء به جزء به فرزندان خود آموزش می‌دهید، این موضوع را هم برای آنها تجزیه کنید. به عبارت دیگر، سعی نکنید همه‌ی موارد مربوط به بلوغ و مسائل متعاقب آن (مثل رابطه‌ی جنسی) را یکباره به آنها بگویید. به عنوان مثال، اگر فرزند دارای نیازهای ویژه شما دختر است، او در مورد قاعدگی یا عادت ماهانه صحبت کنید. با توضیح این که پد چیست و به چه منظوری استفاده می‌شود، شروع کنید. نحوه‌ی استفاده و به دور انداختن آن را به او نشان دهید. بعداً، در مورد گرفتگی عضلات و سندروم پیش از قاعدگی یا عادت ماهانه (PMS) صحبت کنید. همه چیز را به روشنی و مشخص آموزش بدهید و سعی نکنید اطلاعات را به یک باره به او ارائه دهید.

همچنین، صحبت از پنج مرحله‌ی بلوغ و گذر از آن نیز می‌تواند مفید باشد. این پنج مرحله شامل: تغییر در قد، صدا، پوست، مو، و خلق و خو است. تأکید می‌کنیم که همه چیز به یکباره اتفاق نمی‌افتد، بلکه در عوض، این تغییرات طی یک دوره‌ی تقریباً ده ساله اتفاق می‌افتد.

به علاوه، ممکن است که لازم شود در آن دوره‌ی زمانی بخصوص نیز چندین بار به موضوع بپردازید، غیر معمول نیست که کودکان دارای نیازهای ویژه هر وقت متوجه تغییر در بدن خود می‌شوند، نا آرام شوند. به آنها اطمینان دهید که هر آنچه را که آنها تجربه می‌کنند، همسالان شان نیز تجربه می‌کنند.

از واژه‌های (اصطلاحات) مناسب استفاده کنید

از همان ابتدا، مطمئن شوید که از اصطلاحات علمی اعضای بدن و عملکردشان استفاده می‌کنید. از به کار بردن اصطلاحات نادرست و غیر علمی پرهیز کنید. به عنوان مثال، دختران دارای فرج، لب‌های فرج بیرونی، لب‌های فرج داخلی، کلیتوریس، مجرای ادرار و واژن هستند. در همین حال، پسران دارای بیضه، کیسه بیضه، آلت تناسلی مرد، و مجرای ادرارند.

کاملاً عادیست که در هنگام گفتگو با فرزندان، والدین در استفاده کردن از این اصطلاحات خجالت بکشند، اما بسیار مهم است که جوانان معنای این اصطلاحات را بفهمند و به درستی آنها را به کار برند. دانستن این اصطلاحات می‌تواند مشکلات پزشکی کمتری را در مراحل بعدی زندگی برای شان به وجود بیاورد.

به علاوه، استفاده از اصطلاحات مناسب می‌تواند از سردرگمی بعدی کودک دارای نیازهای ویژه شما جلوگیری کند. این نکته را در نظر بگیرید که گفتن اینکه کودک در شکم کسی رشد می‌کند در مقایسه با گفتن اینکه کودک در رحم مادر رشد می‌کند، چقدر برای کودکان دارای نیازهای ویژه گیج کننده است. اگر از اصطلاح شکم استفاده کنید، ممکن است گیج شوند و فکر کنند که مادر کودک را خورده است. یا ممکن است تعجب کنند که چگونه کودک در واره‌ی اول به شکم کسی وارد شده است.

نگذارید ناراحتی شما از این موضوع، باعث شود تا با کودک دارای نیازهای ویژه خود شفافیت نداشته باشید. در ارتباطات خود با فرزندان صادق و باز باشید و موارد را از او پنهان نکنید.

بلوغ مرحله‌ای از زندگی و رشد انسان است که باعث می‌شود فرد از کودکی به بزرگسالی برسد. فردی که دوران بلوغ را پشت سر گذاشته باشد، بالغ نامیده می‌شود و از نظر جنسی، توانایی تولید مثل دارد. معمولاً ورود به دوره‌ی نوجوانی با تحولات جسمی و روانی فرزندان همراه است که ممکن است برخی از آنها به چشم نیاید. البته لازم به ذکر است که والدین باید درباره‌ی بلوغ دختران آگاهی و دانش بیشتری داشته باشند.

بلوغ به معنی بزرگ شدن، نوجوانی و رسیدن به تکامل جنسی است و زمانی را در زندگی توصیف می‌کند که بدن از نظر جنسی تکامل یافته و اندام‌های تناسلی فعال می‌شوند. دوره‌ی بلوغ چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ احساسی، پر تنش‌ترین زمان زندگی هر فرد محسوب می‌شود. چنانچه تغییرات و چالش‌های روانی، هیجانی و رفتاری ناشی از آن، سیر طبیعی خود را در زمان طبیعی‌اش به درستی طی نکند، مشکلاتی را در زندگی آینده‌ی فرد ایجاد می‌کند.



هیچ چیزی به اندازه‌ی «صحبت کردن» درباره‌ی بلوغ و تغییرات ناشی از آن، پدر، مادر یا کودکی را آزار نمی‌دهد، به خصوص وقتی که پای کودکان یا نیازهای ویژه در میان باشد، که در آن صورت، حساسیت این موضوع به چالشی بزرگ تبدیل خواهد شد. بزرگ‌ترین نگرانی در این باره اغلب این است که آنها متوجه تغییراتی که در بدن شان رخ می‌دهد، نمی‌شوند. اما با برنامه ریزی و کمک شما، این مشکل نیز می‌تواند برطرف شود. در اینجا نکاتی آورده شده است که به شما کمک می‌کند تا در مورد بلوغ و تغییرات بدنی ناشی از آن با فرزندان راحت‌تر صحبت کنید.

این گفتگو را هر چه زودتر آغاز کنید

اگرچه صحبت کردن در مورد بلوغ و تغییرات بدنی ناشی از آن گاهی اوقات طاقت فرساتر است، اما باید تا دیر نشده آن را شروع کنید. منتظر نمانید تا کودک تن در گیر و دار هورمون‌های نوجوانی و تغییرات بدنی ناشی از آن قرار گیرد، تا گفتگوی مربوط به بلوغ را شروع کنید.

کودکان دارای نیازهای ویژه به اطلاعات بیشتری نسبت به آنچه که آموزش‌های بهداشت و سلامت مدرسه به آنها می‌دهد، نیاز دارند. بنابراین، کمی وقت صرف گفتگو با آنها کنید. یقیناً شما نمی‌خواهید که همایان فرزندان تان اولین افرادی باشند که این

بر طبیعی بودن آن تأکید کند

وقتی بدن کودک به سرعت در حال تغییر است، مانند رشد مو در مکان‌هایی که قبلاً وجود نداشته، می‌تواند برای برخی از کودکان عجیب و گیج‌کننده باشد. در نتیجه، بسیار مهم است که شما بر طبیعی بودن تغییرات جدیدی که دارند تجربه می‌کنند، تأکید کنید و به آنها بگویید که همه‌ی کودکان دیر یا زود، در زندگی خود از این مراحل عبور خواهند کرد. به علاوه می‌توانید در مورد این واقعیت که تغییرات بدنی هر کس متناسب با ویژگی‌های جسمانی اوست، نیز صحبت کنید.

به عنوان مثال، بعضی از افراد واقعاً قد بلند می‌شوند در حالی که دیگران قد کوتاه‌تری دارند. یا میزان رویش مو در بدن همه به یک اندازه نیست.

اشاره به وجود تفاوت‌های فردی در صفات و ویژگی‌های جسمی و روانی، کمک بسیار زیادی در دانستن این نکته که لازم نیست دقیقاً مانند بقیه باشند، آرامشی را در آنان به وجود می‌آورد. همچنین نشان می‌دهد که هیچ چیز عجیبی در مورد آنچه که آنها تجربه می‌کنند وجود ندارد.

زمان‌های مناسب برای آموزش را پیدا کنید

برای صحبت با فرزندتان در مورد بلوغ و رابطه جنسی، از مثال‌هایی که در زندگی روزمره رخ می‌دهند و ارتباط نزدیکی با بلوغ دارند، استفاده کنید. به عنوان مثال، شما می‌توانید در باره‌ی بارداری خواهرتان و یا عروسی پسر عموی‌تان با آنها صحبت کنید. استفاده کردن از مثال‌ها و نمونه‌های زندگی واقعی به کودکان کمک می‌کند تا آنچه را که در بزرگسالی تجربه می‌کنند، بهتر درک کنند.

به علاوه شما می‌توانید در باره‌ی بلوغ، مراقبت از بدن و تولید مثل کتاب‌هایی را مطالعه کنید و فراموش نکنید که باید به رعایت



بهداشت، مانند دوش گرفتن منظم، استفاده از دئودورانت، و شستن دست و صورت آنها بسیار اهمیت بدهید چون آموزش و یادگیری این مهارت‌های مهم زندگی به بلوغ و تغییرات بدنی ناشی از آن گنره خورده است.

دفاع از خود در برابر انواع سوء استفاده‌ها

کودکان دارای نیازهای ویژه اغلب اهداف آسانی برای اذیت و آزارند. متأسفانه درصد قابل توجهی از انواع مختلف سوء استفاده‌هایی که از این کودکان می‌شود، سوء استفاده جنسی است.

تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد کودکان دارای نیازهای ویژه مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. علاوه بر این، گزارش‌ها نشان می‌دهد که کودکان دارای نیازهای ویژه ۳ تا ۴ برابر بیشتر از همسالان عادی خود مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. در همین حال، مطالعات دیگر حاکی از آن است که ۶۸ درصد دختران و ۳۰ درصد پسران دارای ناتوانی‌های رشدی قبل از ۱۸ سالگی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

والدینی که خیلی سریع و باز با فرزندانشان خود صحبت می‌کنند و با آنها ارتباط برقرار می‌نمایند، می‌توانند به حفظ امنیت آنها کمک کنند. نکته اصلی اینجاست که به کودکان آموخته شود که بدن

شان متعلق به خودشان است.

به فرزندتان اطمینان دهید که همیشه می‌تواند در مورد احساساتش با شما صحبت کند. به او یادآوری کنید که اگر نمی‌خواهد در هنگام خداحافظی در آغوش کسی قرار گیرد، یا کسی او را ببوسد، حتی اگر آن فرد مادر بزرگش باشد، همیشه مجاز به نه گفتن است. در واقع والدین باید توانایی «نه گفتن» را به فرزندانشان خود آموزش دهند و مطمئن شوند که آنها به خوبی آن را فرا گرفته‌اند. همچنین یادآوری این نکته ضروری است که والدین با استفاده از اصطلاحات مناسب به فرزندانشان خود بیاموزند که کدام بخش از بدنشان کاملاً خصوصی است و هیچ فردی حق ندارد بدون اجازه آن قسمت‌های بدن او را لمس کند. به عبارت دیگر، قسمت‌های خصوصی بدن معمولاً با سوتین و لباس زیر پوشانده می‌شود.

همچنین بهتر است فهرستی از بزرگسالان قابل اعتماد تهیه کنید که اگر فرزندتان مورد لمس و اذیت و آزار قرار گرفت، به آنها مراجعه کند. به او بگویید که هیچ کس از گفتن حقیقت، از او دلخور یا عصبانی نخواهد شد.

خود را برای پرسش‌های او آماده کنید

پس از صحبت‌های شما، ممکن است کودک تان پرسش‌ها، و نگرانی‌های دیگری داشته باشد و یا توضیحات بیشتری بخواهد. در پایان صحبت‌های تان، به او اطمینان بدهید که همیشه در دسترس هستید و گفتگوهای بیشتری با هم خواهید داشت. تأکید کنید که هیچ سوالی خارج از محدوده نیست. به عبارت دیگر، اطمینان حاصل کنید که آنها می‌دانند همیشه و به هر دلیلی می‌توانند به شما مراجعه کنند و هیچ چیزی باعث ناراحتی شما نمی‌شود.

همچنین، به او بگویید که اگر پاسخ پرسش‌هایش را نمی‌دانید و نمی‌توانید بلافاصله جواب بدهید ولی سعی خواهید کرد که به اتفاق خودش پاسخ را پیدا کنید. نکته اصلی این است که باید خطوط ارتباطی را باز نگه دارید و به او اطمینان بدهید که فارغ از هر اتفاقی که رخ دهد همچنان دوستش خواهید داشت. هیچ سوالی خارج از محدوده نیست.

در صورت نیاز، با صبر و حوصله این کار را تکرار کنید

به یاد داشته باشید که بسیاری از مواردی که برای اولین بار در مورد آنها صحبت می‌کنید، ممکن است در فرزندتان به خوبی جا نیفتاده باشد. بنابراین، مهم است که به طور مرتب در مورد بلوغ و رابطه جنسی با او صحبت کنید. در واقع، هر بار که او شاهد تغییر جزئی در بدن خود شود، ممکن است شما را مجبور کند که از همان ابتدا شروع کنید و دوباره صحبت‌های قبلی را تکرار نمایید. باید در تمام مراحل صبور باشید. ممکن است کمی طول بکشد تا کودک متوجه اتفاقات در حال وقوع شود به علاوه، بسته به نوع و شدت ناتوانی کودک، پذیرش تغییراتی که در حال انجام است نیز ممکن است کمی زمان بر شود. نکته اصلی این است که شما حضور داشته باشید و هر زمان که او بخواهد، آماده‌ی گفتگو باشید. درک رابطه‌ی جنسی و ایجاد آگاهی از بدن به طور کلی برای نوجوانان و جوانان دارای ناتوانی‌های شناختی بسیار مهم است. در نتیجه، وقتی نوبت به بلوغ می‌رسد و آنچه برای بدن اتفاق می‌افتد، والدین باید تلاش کنند تا منبع اول اطلاعاتی فرزندشان باشند.

با صبر و صداقت شما، سرانجام، آنها تغییراتی که در بدنشان رخ می‌دهند را می‌پذیرند.

تهیه و تنظیم:

علی اسلامبولچی مقدم

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی و مدرس مرکز

چگونگی رفتارهای بد کودک خود را اصلاح کنیم

قسمت دوم

۴- برای هنگامی که کودک تان دوباره این احساس غم را تجربه می کند، برنامه داشته باشید

داشتن برنامه مهم است چون وقتی کودکان غم را تجربه می کنند و در نتیجه این حس ناخوشایند بدخلقی می کنند، آن زمان است که این برنامه به کمک شما خواهد آمد. اغلب، این قبیل برنامه های اصلاح رفتارهای بد کودکان برای کودکانی که دارای اختلال کم توجهی- بیش فعالی هستند استفاده می شود، اما برای سایر کودکان هم

روش مناسبی است. مثلاً، شما و فرزندتان می توانید برای نوبت های بعدی که کودک حس غمگین شدن را دوباره تجربه می کند، به شکل زیر عمل کنید: چند نفس عمیق بکشید. برای چند دقیقه به اتفاق دیگری بروید تا آرام شوید. به او توضیح دهید که چه چیزی باعث غمگین شدن او شده است. مشکلی را که با یکی از والدین یا خواهر و برادر یا دوستانش دارد حل کنید.

۵- به او توضیح دهید که چرا قوانینی را مشخص کرده اید

کودکان اغلب بدخلقی می کنند؛ چون نمی دانند چرا باید از قوانین شما پیروی کنند یا انتظارات تان را برآورده سازند. به آن ها دقیقاً توضیح دهید که چرا باید به این قوانین عمل کنند.

مثلاً، اگر فرزندتان اسباب بازی هایش را به اطراف پرت می کند، می توانید به او بگویید: «قانون مان این بود که اسباب بازی های مان را این طرف و آن طرف پرت نکنیم. پرت کردن باعث می شود که بشکند یا به کسی صدمه بزند. این کار خطرناک است و به همین خاطر اجازه نداری این کار را بکنی.» وقتی کودک تان برای اولین یا دومین بار قانون تعیین شده را شکست، به او «علت» وجود آن قانون را یادآوری کنید؛ مثلاً، اگر دیدید که دختر یا پسر تان اسباب بازی هایش را پرت می کند، از او بپرسید: «یادت می آید گفتیم چرا نباید اسباب بازی های تان را پرت کنی؟» این سوال او را وادار به این فکر می کند که چرا اجازه نداشته چیزی را پرت کند.

۶- سر حرف خود بمانید و وعده توخالی ندهید

اگر روی حرف خودتان بمانید و به قول هایی که داده اید عمل کنید، اعتماد و احترام شما به عنوان یک والد حفظ می شود. اگر به کودک تان گفته اید که او را بغل می کنید، باید این کار را انجام دهید. وگرنه، کودکان به شما بی اعتماد می شود و احتمالاً بد اخلاقی می کند و دیگر به حرف تان اعتنا نمی کند.

کودکان باهوش هستند و حرف هایی که به آن ها زده می شود را به خاطر می آورند. همچنین می کوشند تا شما را وادار به انجام کارهایی بکنند که خودشان می خواهند؛ بنابراین بر سر حرف خود بمانید و حد و حدود کودک تان را برای او تعیین کنید. همچنین، موقعی که دارید رفتار بد کودک را بهبود می بخشید، باید ثبات داشته باشید و کارتان را تا به آخر دنبال کنید. اگر به کودک می گویید در صورتی که اسباب بازی هایش را پرت کند، آن ها را از دسترس او خارج می کنید، بنابراین اگر کار بد خود را تکرار کرد، باید به این حرف خود عمل کنید، حتی اگر کودک به این کار شما اعتراض کند.

۷- با دادن حق انتخاب به کودکان تان به آن ها قدرت و اختیار بدهید

موقعیت های مشخص، با دادن حق انتخاب به کودک تان به او قدرت بدهید. در انتخاب هایی که به او واگذار می کنید، خودتان نقش کلیدی داشته باشید تا در صورت انتخاب هر کدام از این گزینه ها، کودک به هر حال رفتار مورد قبول شما را انتخاب کند. مثلاً، چیزهایی شبیه به این به کودک بگویید: «می توانی همین حالا لباس پیوشتی و به مدرسه بروی و یا قبلش صبحانه بخوری.» در هر کدام از این انتخاب ها، آن ها همان کاری را می کنند که از نظر شما مورد قبول است. سعی کنید به کودکان تان گزینه هایی را پیشنهاد دهید که تفاوت عمده ای با هم دارند تا او ناگزیر رفتار درست را انتخاب کند؛ مثلاً به او بگویید: «می توانی تصمیم بگیری که اینجا پیش دوستت باشی و اسباب بازی های تان را با او تقسیم کنی و با او خوش رفتار باشی یا از پیش دوستت برویم.» به این ترتیب کودک مجبور می شود که اگر دلش بازی و تفریح می خواهد، رفتار درستی داشته باشد.

۸- به کودک پیاموزید اگر می خواهد به نتیجه ای دلخواه خود برسد باید به جای رفتارهای منفی، رفتارهای مثبت بروز دهد

فرض کنید کودک شما موقعی که دارید تلفن می زنید، اسباب بازی هایش را پرت می کند تا توجه شما را به خود جلب کند. اگر به او یاد بدهید که به جای این کار شکایت باشد و مودبانه از شما بخواهد که به او توجه کنید، بعد از مدتی می بیند که با رفتار درست، به نتیجه دلخواهش می رسد. اگر از کودک می خواهید که چند دقیقه دیگر صبر کند تا کار شما تمام شود و بعد به او برسید، سعی کنید در طول این مدت از یک وسیله زمان سنج استفاده کنید تا هر دوی شما دقیقاً بدانید که چه قدر طول می کشد تا به قولی که به کودک داده اید عمل کنید.

۹- به رفتارهای خوب کودک پاداش بدهید

کودکان به دنبال جلب توجه هستند و به آن نیاز دارند؛ بنابراین گاهی رفتارهای بد کودکان نشانه این نیاز آنان و جلب توجه شماست و گاهی رفتارهای خوب آنان. فراهم آوردن عوامل



تقویت‌کننده مثبت به کودک تان کمک می‌کند که بیاموزد چگونه کارهای خوب انجام بدهد و انگیزه پیدا می‌کند تا آن رفتار مناسب را دوباره تکرار کند. این عوامل بروز رفتارهای بد کودکان را نیز تا حدودی کاهش می‌دهند.

در تعریف و تمجید از کودک دقیق باشید و چنین جمله‌هایی را بکار ببرید: «آفرین که انانیت را همان‌طور که گفته بودم تمیز کردی، ممنونم!» یا «آفرین! خیلی کار خوبی کردی که اسباب بازی‌هایت را با دوستانت تقسیم کردی.» حتی می‌توانید تقویت‌کننده‌های لطیفی مثل لیختن زدن، سر تکان دادن یا بغل کردن را هم به این کارتان بیفزایید.

روش سوم - خلق نتایج موثر

۱- به‌طور واضح و صریح نتایج رفتارهای بد کودکان خود را بازگو کنید

موقعی که به کودک توقع تان از رفتار مناسب را توضیح می‌دهید، نتایج پیروی نکردن از این توقعات را هم به او بیان کنید. این‌گونه، وقتی کودک بداند که رفتار نامناسب چه پیامدی خواهد داشت، ناگزیر رفتار درست را انتخاب می‌کند؛ مثلاً، چیزهایی شبیه به این:

به کودک بگویید: «انتظار دارم، وقتی داریم از خیابان رد می‌شویم، دستم را بگیرد و اگر این کار را نکنی، ده دقیقه از بازی کردن محروم می‌شوی.» این کار باعث می‌شود که کودک قبل از دست زدن به رفتار نامناسب، بیشتر فکر کند.

هر کدام از این پیامدها را به شکل کوتاه و قابل فهم برای کودک توضیح دهید تا احتمال به خاطر سپردن آن‌ها برایش بیشتر شود؛ مثلاً بگویید: «امروز از تبلت استفاده نمی‌کنی» یا «امروز نمی‌توانی کارت‌تون مورد علاقه‌ات را ببینی» یا «امروز ۳۰ دقیقه از وقت بازی با کامپیوترت را کم می‌کنم.»

۲- به کودک توضیح دهید که چرا تنبیه می‌شود

وقتی نتیجه رفتار بد کودک را به او نشان می‌دهید، اطمینان حاصل کنید که او علت تنبیه شدن خود را می‌داند. واضح توضیح دهید که قبلاً به او گفته بودید چه انتظاری از او دارید و حالا که او این خواسته را انجام نداده است، باید نتیجه کارش را ببیند. با توضیح دادن درباره نتیجه کارهای بد، کودک دیگر نمی‌تواند بهانه بی‌آورد و ادعا کند که نمی‌دانسته کدام کار نادرست است. این‌گونه باهم درباره این موضوع توافق می‌کنید. سعی کنید چیزهایی شبیه به این به کودک بگویید: «هر دو توافق کردیم که نباید وقتی بچه‌های دیگر اسباب‌بازی‌هایشان را با تو قسمت نمی‌کنند آن‌ها را کمک بزنی. ولی حالا چون دوستت را کمک زدی، امشب نمی‌توانی بازی کامپیوتری بکنی.»

۳- تقویت‌کننده‌های مثبت بیشترین اثر را در اصلاح رفتارهای بد کودکان دارند.

وقتی کودک شما رفتار مورد قبولی انجام می‌دهد، به او یک تکه آب‌نبات، ده دقیقه فرصت بیشتر برای ماندن در زمین بازی یا یک برچسب پیشنهاد بدهید.

اگر کودک شما در دوره‌ای طولانی رفتار نامناسب را بروز دهد، از خود نشان داد، می‌توانید جایزه بزرگ‌تری به او بدهید؛ مثلاً می‌تواند شب در خانه دوستش بخوابد، برایش بستنی بخرد یا یک اسباب‌بازی از فروشگاه بخرد. جایزه رشوه نیست! جایزه بعد از انجام کار خوب داده می‌شود، درحالی‌که رشوه دادن قبل از انجام کاری صورت می‌گیرد. اگر به کودک خود به‌خاطر انجام کار خوب رشوه بدهید، او گیج می‌شود و فکر می‌کند که فقط زمانی که چیزی دریافت می‌کند باید کار خوبی انجام دهد. مطمئن شوید که پاداشی که به کودک می‌دهید با رفتار خوبش تناسب دارد. اگر به‌خاطر اینکه وقتی در مجلسی بودید، کنارتان آرام نشسته است، به او برچسب جایزه بدهید، این جایزه مورد قبول است؛ اما اگر به‌خاطر کمک نزدن همکلاسی‌هایش به او برچسب جایزه بدهید، ممکن است آن‌قدرها جایزه بزرگی به حساب نیاید. هر موقعیت را بسنجید و طبق آن عمل کنید.

۴- مدت زمان تنبیه‌ها را کوتاه کنید تا اثربخشی آن‌ها افزایش یابد

کودکان اغلب فراموش‌کارند؛ بنابراین، اگر نتیجه گرفتن از عملی بسیار طولانی شود، آن‌ها ممکن است فراموش کنند که چرا تنبیه می‌شوند؛ مثلاً، اگر به دلیل پرت کردن اسباب‌بازی‌هایش را از او می‌گیرید، این کار را فقط برای چند ساعت در یک روز انجام دهید نه برای یک هفته یا یک ماه.

افزون بر این، تنبیه‌های طولانی‌مدت ممکن است منجر به بروز رفتارهای بد کودکان شود؛ مثلاً، اگر کودک را به مدت دو ماه از چیزی محروم کنید، او با خود فکر می‌کند که «چرا باید رفتار خوبی داشته باشم؟ من که از قبل تنبیه شده‌ام!» همیشه سعی کنید که اول با کودک تان حرف بزنید تا بفهمید چه اتفاقی دارد می‌افتد. تنبیه باید به‌عنوان آخرین چاره در نظر گرفته شود.

۵- ثابت‌قدم باشید

اگر تنبیه کودک و مواجهه او با نتیجه رفتارهای بدش را به زمانی موکول کنید که خودتان راحت‌تر هستید، این کار شما برای کودک گیج‌کننده است و باعث می‌شود که قدرت و نفوذ شما به‌عنوان پدر یا مادر کم شود. اگر ثبات نداشته باشید، فرزندان ممکن است گیج شود که چه موقع نتیجه رفتار بد خود را می‌بینند و این گیج شدن ممکن است منجر به بروز رفتارهای بدتر او بشود.

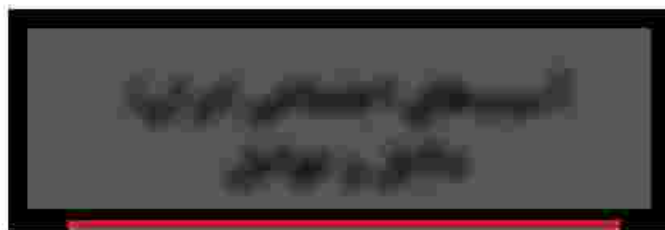
تهیه و تنظیم:

نگار زمانی، دانشجوی کاردانی تربیت مربی پیش از دبستان

منبع:

<https://www.wikihow.com/Improve-Your-Child>
<https://ketabak.org>

گران و کارشناسان رشته های مختلف روان شناسی و جامعه شناسی سعی در تبیین این موضوع دارند. اینجانب نیز از دیدگاه جامعه شناختی به بررسی این امر می پردازم.



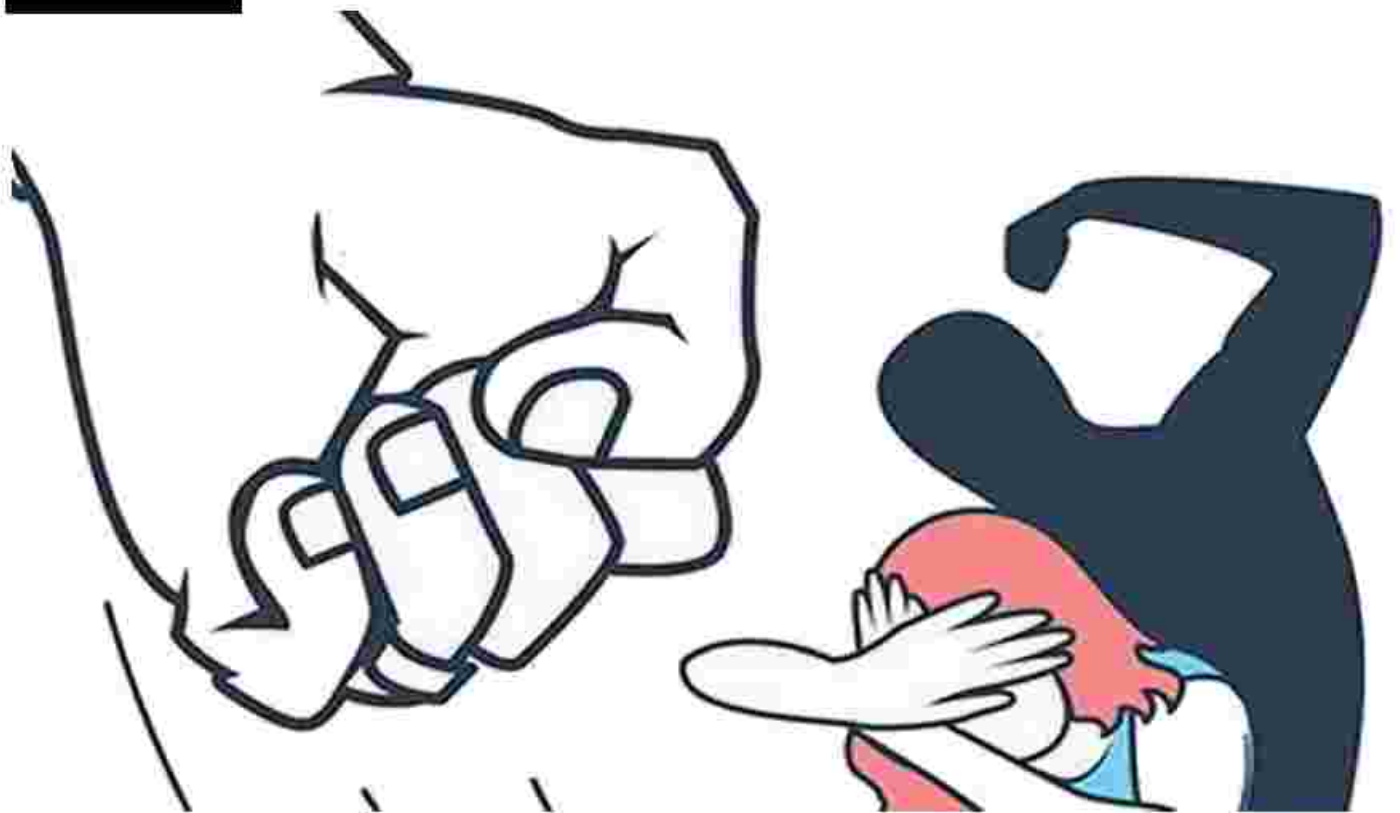
خشونت در خانواده از دیرباز وجود داشته است و این خشونت معمولاً متوجه اعضا ضعیف تر خانواده از قبیل کودکان، زنان و سالمندان است. البته، در این میان بیش ترین فراوانی مربوط به خشونت مردان علیه زنان است که در این جا موضوع

مطابق پژوهش های مختلف که آخرین آنها پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۹۸ است؛ افراد در جامعه ایران، خانواده را امن ترین نهاد دانسته، به اعضای خانواده خود بیش از هر شخص دیگری از



بحث نیست. در این یادداشت، تلاش می شود خشونت متقابل والدین و فرزندان تبیین شود. به نظر می رسد یکی از دلایل بروز و گسترش این نوع خشونت، تغییرات سریع جامعه و محیط اجتماعی است که به نوبه خود، سبب افزایش تضاد و تعارض دیدگاه های والدین و فرزندان شده است.

قبیل عالم دینی، استاد و معلم اعتماد داشته اند. با این حال، باید اذعان کرد که در سال های اخیر، خشونت خانگی در ایران افزایش یافته است و در این سال ها، رسانه ها موارد بیش تری از فرزند کشی یا خشونت علیه والدین را به مردم گزارش می کنند. این روزها، گزارش فرزند کشی، موج تازه ای از نگرانی ها و تحلیل ها را ایجاد کرده است و بخش هایی از جامعه نیز بهت زده آن را نظارت می کنند. تحلیل



بتواند نهادهایی جایگزین آنها کند و در مراحل مختلف زندگی مانند مدرسه، دانشگاه، مرحله ازدواج، مرحله بچه دار شدن و سایر مراحل، آموزش های لازم را ارائه کند تا خانواده و اعضا آن بتوانند تعارض ها را حل کنند. آموزش مهارت هایی مانند گفت و گو کردن، حل مسئله، توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخ دهی عاطفی و کنترل رفتار برای اعضا جامعه و خانواده در زمان مناسب لازم و ضروری است.

مسئله دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد ضعف قوانین است؛ به گونه ای بازدارندگی لازم را برای پیشگیری از ارتکاب جرم ایجاد نمی کنند. به ویژه، در باره خشونت والدین علیه فرزندان، قانون سهل گیرانه است و نیاز به بازنگری دارد. با این وجود، باید توجه داشت جنبه عمومی جرم بسیار با اهمیت است و امنیت روانی جامعه را مختل می کند. می توان این مسئله را در چارچوب یک ساختار گسترده تر اجتماعی نیز تحلیل کرد و خشونت خانگی را ناشی از حضور میزان بالایی از خشونت در سایر بخش های جامعه دانست که نیاز به پژوهش جداگانه و تحلیل جامع تری دارد.

تهیه و تنظیم:

علی نوری؛ دکترای جامعه شناسی گرایش مسایل اجتماعی ایران، پژوهشگر اجتماعی و مدرس مرکز

سرعت تغییرات جامعه به حدی است که اگر تفاوت نسل ها در گذشته ۳۰ سال بود، امروزه نسل ها پس از یک دهه تغییر می کنند. شاهد این مدعا این است که امروزه می گوینیم ده هفتادی یا دهه هشتادی، در حالی که پنجاه سال پیش چنین اصطلاحی وجود نداشته است. لذا اگر تفاوت سنی والدین و فرزندان در گذشته را ۳۰ سال فرض کنیم، تفاوت آنها یک نسل بود اما امروزه تفاوت والدین و فرزندان سه نسل می شود. یعنی؛ والد و فرزند امروز حداقل سه برابر بیش از گذشته تفاوت دیدگاه در سبک زندگی و سلیق فرهنگی را احساس می کنند و این امر سطح تعارضات را افزایش می دهد. به بیان دیگر؛ به تعبیر دور کیم بی هنجاری در جامعه رواج یافته است، به گونه ای که فرزندان ارزش ها و هنجارهای والدین خود را نمی پذیرند و از طرفی، پذیرش سبک زندگی جوانان برای والدین دشوار است.

از جمله این تغییرات، افزایش سن ازدواج، مجرد قطعی جوانان، اختلاف سلیقه فرهنگی و موارد مشابه است. از طرفی، نهادهای اجتماعی نیز آمادگی لازم برای مدیریت جامعه در شرایط کنونی را ندارند و وظایف خود را در قبال اعضا جامعه و خانواده نمی شناسند، یعنی؛ حال که نهادهای سنتی مانند بزرگ ترها، ریش سفیدان و گیس سفیدان مقبولیت خود را برای مدیریت و حل تعارض ها از دست داده اند باید جامعه

شرکت تعاونی
پیشگازان آئین زندگی

آموزش توانبخشی
فروشگاه ورزشی

تأسیس سال ۱۳۷۷